

مرکز تدوین تاریخ جامع حکمت و فلسفه بنیاد حکمت اسلامی صدرا

مصطفی دهقان*

تدوین یک دوره مفصل و جامع تاریخ فلسفه، از فجر تاریخ و آغاز تفکر فلسفی و ظهور مکاتب و فلاسفه و حکمای بزرگ در این دوره درخشان از تاریخ ایران، جمهوری اسلامی ایران، نیازی علمی و نیز نقشی اجتماعی و تاریخی است که بر دوش دانشمندان و اندیشمندان گذاشته شده است، و به سبب نیاز چنین کاری عظیم و سنگین به همکاری‌های گروهی و پشتوانه‌های اداری و مالی، افراد به‌طور منفرد قادر به انجام آن نبودند و رفع نیاز دانشگاه‌های ما تاکنون بیشتر با کتب ترجمه‌شده غربی و پاره‌ای از آن به یاری تحقیقات استادان ایرانی بوده که منابع ایرانی نوعاً به دلیل محدودیت‌های موجود، از لحاظ کمی و گاهی کیفی توان رفع نیاز جامعه علمی ما را نداشته است.

منابع غربی نیز علاوه بر نقص‌های تحقیق و بی‌توجهی به سابقه تاریخی مشرق‌زمین، به ویژه ایران، و اختلاف‌هایی که بین نویسندگان هست، خالی از تعصب قاره‌ای و نژادی نبوده و گاهی این تعصب کاملاً آشکار است، و از این رو معرفی این گونه منابع به جوان محقق ایرانی، در حکم دادن غذای مسموم به گرسنه است. با توجه به آنچه گذشت، بنیاد حکمت اسلامی صدرا در صدد برآمده است که این خلای علمی را پر کند و این نیاز شدید جامعه علمی و دانشگاه‌ها را در بخش

*. کارشناس مرکز تدوین تاریخ جامع حکمت و فلسفه بنیاد حکمت اسلامی صدرا

فلسفه و تاریخ فلسفه برآورد و با تأسیس مرکزی به‌همین منظور با عنوان «مرکز تدوین تاریخ جامع حکمت و فلسفه»، و تشکیل چهار گروه (دپارتمان) اصلی و چندین گروه فرعی (حسب نیاز) و فصل‌بندی سلسله تاریخ سیر تفکر فلسفی از دیرباز تا قرن حاضر، مطالعات و تحقیقات انجام این طرح عظیم را به‌پایان برد و با تقسیم زنجیره سیر تاریخی تفکر فلسفی به مقاطع کوچک (درحد یک جلد کتاب)، این طرح را اجرایی کند تا استادان متخصص داخلی و خارجی، مطابق تخصص و ذوق و تمایل خود، یکی از این مقاطع را به‌صورت طرح و پروژه تحقیقاتی و پژوهشی بپذیرند و آن را در مدت مناسب برای چاپ در مجموعه این دوره کامل (که حدود ۴۰ جلد پیش‌بینی می‌شود) تحویل دهند.

این مرکز با تشکیل چهار گروه اصلی:

۱. تاریخ حکمت و فلسفه ایران و یونان باستان،
۲. تاریخ حکمت و فلسفه قرون وسطی،
۳. تاریخ حکمت و فلسفه جدید و معاصر،
۴. تاریخ حکمت و فلسفه اسلامی،

ابتدا به شکل‌دهی کارگروه‌های تخصصی و گروه‌های مشاوران علمی اقدام کرد که این کارگروه‌ها با برگزاری نشست‌های مکرر و مستمر، حاصل کار خود را در محورهای زیر عرضه کردند.

۱. استخراج اولیه مداخل، سرفصل‌ها و موضوعات اصلی هر دوره تاریخی؛
۲. تهیه پیش‌نویس شیوه‌نامه و اصول و چهارچوب نگارش مقالات و آثار؛
۳. تدوین ضوابط مربوط به گردش کار تهیه مقالات از قبیل پیشنهاد مدخل به محقق، تهیه پرونده علمی، زمان‌بندی نگارش متن تحقیق، نظارت بر پیشرفت کار تحقیق و ...؛

۴. پیشنهاد و ضوابط مربوط به حق‌التحقیق، حق‌التألیف و سایر ساز و کارهای اجرایی و عملی نگارش تحقیق؛

۵. پیش‌بینی برنامه زمان‌بندی چاپ و انتشار دانشنامه؛

۶. پیش‌بینی برنامه زمان‌بندی جلسات سخنرانی‌ها و همایش‌های تخصصی مرکز؛

۷. تهیه بانک اطلاعاتی مربوط به محققان و استادان داخلی و خارجی متخصص

در هر دوره.

اضافه می‌شود که هم اکنون بخشی از کارکردهای مذکور به تصویب شورای عالی مرکز رسیده است و مابقی نیز به تدریج مراحل تصویب را خواهد گذراند و در پایان به صورت دفتری واحد مشتمل بر تمامی جهات مذکور انتشار خواهد یافت. از آنجا که این مجموعه، واحدی منسجم است و باید تابع نظام و سیاست واحد و اهداف مشخص و مشترک باشد، رعایت اصول مشترک و سیاست‌های واحد در کل طرح ضروری به نظر می‌رسد.

آنچه در پیش خواهد آمد، نکات مهم مشترک و لازم‌الرعایه‌ای است که به خط‌مشی و بینش و سیاست عام و جامع این طرح مربوط و مشتمل بر قواعد و سیاست‌هایی است که در طول گفت‌وگوهای شورای عالی علمی تاریخ فلسفه و نیز در ضمن مذاکرات گروه‌های تخصصی این مرکز از افکار استادان و دست‌اندرکاران مجرب به دست آمده و قطعی و مصوب شده و رعایت آن به همه پژوهشگران و مشارکت‌کنندگان و نویسندگان مقالات این طرح جامع توصیه می‌شود:

۱. در تدوین و نگارش تاریخ فلسفه، محور اصلی نوشتار و تحقیق، همان دوره‌های تاریخی و زمان عنوان شده (از فجر تمدن تا زمان حاضر) است با گرایش ثانوی به مکتب و بالمناصبه، توجه به فیلسوفان مربوط به آن دوره و متعلق به مکاتبی که در آن دوره وجود داشته؛ و به‌طور خلاصه، طرح تاریخ فلسفه در این مرکز به

محورها و نقاط و مقاطع زمانی متکی است با ذکر مکاتب و اشاره به فلاسفه و حکمای آن دوره و آن مکتب.

۲. برخلاف بیشتر کتب موجود در تاریخ فلسفه، توجه کافی و اساسی به تاریخ اجتماعات و تمدن و اوضاع و احوال اجتماعی هر دوران و هر فیلسوف، شرط تحقیق است و در این زمینه باید به منابع تاریخی، باستان‌شناختی و تاریخ، زبان، هنر، مذهب و مانند اینها توجه عالمانه شود و فلسفه و تفکر فلسفی، مجرداً، بدون توجه به ریشه‌های فرهنگی و تاریخ، بررسی نشود.

۳. واژه «فلسفه» در طرح این مرکز، همه مکاتب و مذاهب فلسفی شرقی و حکمت به معنای عام آن را نیز شامل می‌شود. در بررسی فلسفه در دوران قدیم و باستانی، به مذهب و مکاتب مذهب گونه شرقی نیز توجه می‌شود که در مورد آنها عنوان «حکمت» می‌تواند واژه مناسب‌تری باشد، زیرا ممکن است عده‌ای فلسفه‌های باستانی مشرق را مذهب به حساب آورند و نام «فلسفه» را برای آن مناسب ندانند. از این رو در مجلد اول این دوره تاریخ جامع فلسفه این مرکز، درباره تعریف فلسفه و حکمت و وسعت موضوع حکمت و جامعین آن بحث خواهد شد.

۴. در پژوهش‌هایی که درباره خاستگاه فلسفه و علوم - طبعاً در مشرق‌زمین - می‌شود تأکید این است که ضمن معرفی سهم مشرق در تکوین تفکر در یونان، به نقش ایران - که غربیان، دانسته و یا ندانسته، روی آن سرپوش گذاشته و آن را به فراموشی سپرده‌اند - اهمیت بیشتری داده شود؛ تا نقش تمدن‌ساز و انتقال فلسفه و حکمت و علوم از آنجا به سایر نقاط جهان آن روز از جمله یونان و به ویژه نقش طبقه حکما و روحانیون معروف به مغان برجسته و معرفی شود.

۵. اندیشه فلسفی در طول تاریخ تفکر فلسفی بشر، با همه اختلاف‌ها و گاه تضادهای خود، یک واقعه و یک سلسله تأملات عقلانی بشر بوده است که باید در

یک تاریخ فلسفه جامع به صورت یک واحد منسجم ذوجزا در نظر گرفته شود نه به شکل پاره‌هایی متفرق از اندیشه جماعتی از بشر اندیشمند؛ و با توجه به فلسفه تاریخ می‌توان تاریخ تفکر بشر را پدیده‌ای واحد و جهانی لحاظ کرد و بدان پرداخت.

۶. در تدوین این طرح عظیم باید مکاتب و مطالب متفرق مربوط به هر یک از فلاسفه به وجهی شایسته و مناسب به یکدیگر مرتبط شود و آرای فلسفی و علمی فلاسفه ایستا و جامد بررسی نشود؛ همچنین باید سعی شود نقاط تاریک زندگی و سیر تفکرات هر فیلسوف، که کمتر به آن توجه شده است، بررسی و آشکار شود.

۷. در تهیه و تدوین تاریخ فلسفه در یونان و مناطق دیگر، ضمن بررسی منابع موجود غربی و مطالب مشهور و با اندکی شک و بدبینی به آن مطالب، باید کوشش بر کشف واقعیت‌های تاریخی باشد. به‌ویژه باید به آثار و عقاید مستشرقان غربی نگاه انتقادی بیشتری داشت و واقعیت‌های ناگفته را بیان کرد.

۸. در پژوهش‌های مربوط به ماقبل یونان لازم است ضمن بررسی تمدن‌های باستانی با استفاده از منابع مطمئن و از طریق نوآوری در تحقیق، کوشش شود که دادوستدهای فرهنگی آن تمدن‌ها به دقت بررسی و قدیمی‌ترین آنها شناخته و معرفی شود. از جمله سابقه تاریخی دوران جاهلیت یونان و سپس تمدن آنجا بررسی صورت گیرد و اگر تمدن‌هایی (از جمله ایران) فلسفه و تمدن را به آنجا برده‌اند و در تمدن و فرهنگ یونان سهمی دارند، درباره آنها نیز تحقیق شود.